

#### خیابان ۱۶ آذر

## بازگشت نیم‌بند شوراهای صنفی به دانشگاه‌ها

#### محمدرضا بهران‌وند

**دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شریف**

هفته گذشته آخرین موعدی بود که در دانشگاه‌ها، انتخابات شورای صنفی برگزار شد. شوراهای صنفی گسترده‌ترین نهاد دانشجویی هستند که قرار است به مسائل روزمره دانشجویان بپردازند؛ با این وجود، روز به روز حدود فعالیت این تشکل‌ها محدودتر شده است. در تابستان ۱۴۰۲ هم با انتشار آیین‌نامه جدید، محدودیت‌ها مضاعف شد و در حالی که انتظار می‌رفت تغییراتی به نفع گسترش فعالیت این نهاد در یک سال گذشته صورت گیرد، این اتفاق نیفتاد. این شوراه‌ها نقش واسطه‌ای میان دانشجویان و بدنه مدیریتی دانشگاه‌ها دارند. در پیگیری مطالباتی مانند وضعیت خوابگاه، کیفیت تغذیه و مسائل آموزشی نقش کلیدی ایفا می‌کنند.
بااین‌حال، روند برگزاری انتخابات شوراهای صنفی در برخی دانشگاه‌ها نشان می‌دهد هنوز چالش‌هایی جدی بر سر راه شکل‌گیری واقعی و مستقل این نهادها وجود دارد.

#### بازگشت چندشورای صنفی

در چند سال اخیر پس از انحلال و تعلیق فعالیت انجمن‌ها، محدودیت فعالیت به انتخابات شوراهای صنفی هم رسید. فشارهای سیاسی و امنیتی، نهادهای دانشگاهی را از برگزاری چنین انتخاباتی بازمی‌داشت. اما با روی کار آمدن دولت جدید، دانشگاه‌هایی مانند بهشتی و علم و صنعت توانستند پس از وقفه‌ای طولانی، بار دیگر شورای صنفی خود را تشکیل دهند. در دانشگاه تهران نیز به گفته دبیر شورای صنفی، روند انتخابات بدون ردصلاحیت و مشکل خاصی برگزار شده است. بااین‌حال در سایر دانشگاه‌ها وضعیت تأیید صلاحیت داوطلبان به این شکل نبوده است. در دانشگاه علم و صنعت، ۱۶۶ نامزد از ۲۲۱ نفر ثبت‌نام‌کننده واجد صلاحیت برای حضور در انتخابات می‌شوند. همچنین در دانشگاه خواجه‌نصیر، شورای صنفی از ردصلاحیت کسترده و دخالت حراست دانشگاه گلایه دارد و می‌گوید خود این نهاد، به نمایندگی از دانشجویان ردصلاحیت‌شده اعتراض کرده است. به گفته یکی از اعضای سابق شورای صنفی دانشگاه شریف، دانشجویان تلاش داشتند با الگوبرداری از سایر دانشگاه‌ها، زمان انتخابات را از یک روز به سه روز افزایش دهند. این خواسته براساس رویه معمول تشکل‌های دانشجویی مطرح شده بود، اما مخالفت یک مقام اجرایی دانشگاه و ارجاع مسئله به سازمان‌های بالادستی، مانع اجرای آن شد. این دانشجوی می‌گوید طبق شش‌ماهه انتخابات، تمام امور اجرایی انتخابات باید توسط کمیته منتخب شورا انجام شود، اما عملاً برگزاری انتخابات در دست معاونت دانشجویی و نماینده آن قرار گرفته و شورا از نقش اجرایی کنار گذاشته شده است. از جمله مصادیق این دخالت‌ها می‌توان به نحوه ثبت‌نام داوطلبان اشاره کرد که زمان انتخابات با وجود درخواست‌های مکرر، تنها ۴۵ دقیقه تمدید شد.



یکی دیگر از موارد مهم، نحوه اعلام آمار ثبت‌نامی‌ها و ردصلاحیت‌های گسترده بود. برخلاف رویه سال‌های گذشته که اطلاعات به‌صورت دوره‌ای در اختیار شورا قرار می‌گرفت، این بار تا لحظات آخر هیچ آماری ارائه نشده و نهایتاً حدود ۲۱۰ نفر ثبت‌نام کردند که ۵۸ نفر از آنها ردصلاحیت شدند و یعنی ۱۵۲ نفر وارد انتخابات شدند. این ردصلاحیت‌ها باعث شده تا برخی واحدها، مانند دانشکده مکانیک و یکی از پردیس‌ها، به حد نصاب لازم برای تشکیل نرسند. در برخی موارد حتی نام افراد تأییدشده نیز در اختیار شورا قرار نگرفته و پیگیری‌های مکرر برای اعتراض داوطلبان ردصلاحیت‌شده نیز با مانع مواجه شده است. برای مثال، حضور همزمان داوطلبان در سایر تشکل‌های دانشجویی مانند انجمن‌های علمی یا فرهنگی که در گذشته مانعی محسوب نمی‌شد، این بار به عاملی برای ردصلاحیت تبدیل شد. مشکلات به همین جا ختم نمی‌شود؛ محدودیت در تبلیغات انتخاباتی، تأخیر در اعلام نتایج و بی‌توجهی به مواد آیین‌نامه در اعلام جزئیات آرا، همگی نشانه‌هایی از روندی هستند که شفافیت و استقلال انتخابات شورا را مخدوش کرده‌اند.

#### مسئله نرخ مشارکت و آرای باطله

طبق آخرین ویرایش آیین‌نامه شورای صنفی، برای تشکیل یک واحد دانشکده‌ای با خوابگاهی باید ۲۰ درصد دانشجویان در انتخابات مشارکت کنند. یکی از دانشجویان عضو شورای صنفی می‌گوید قبلاً این عدد ۲۵ درصد بوده است و به دلیل آنکه انتخابات حضوری است و دانشجویان تحصیلات تکمیلی عموماً در دانشگاه کمتر حاضر می‌شوند، این نصاب گاهی به دست نمی‌آید. حالا در دانشگاه شریف، این محدودیت با تفسیر خاص مسئولان برگزاری انتخابات همراه شده است و چون آرای صحیح به ۲۰ درصد نرسیده، تشکیل شورا در یک دانشکده منتفی اعلام شده است.

#### اصلاح آیین‌نامه برای گسترش حوزه فعالیت

شورای صنفی تا سال ۱۴۰۲ در مسائل آموزشی نیز نظرات مشورتی خود را به مسئولان دانشگاه ارائه می‌کرد، اما در آیین‌نامه مصوب این سال، حوزه‌های آموزشی و پژوهشی از حیطه فعالیت این نهاد خارج شد. یکی از اعضای شورای صنفی می‌گوید مهم‌ترین خواسته دانشجویان از شورا در دانشکده‌ها، کمک به بهبود وضعیت ظرفیت کلاس‌ها و تعیین استادان است، اما این کار با محدودیت آیین‌نامه‌ای مواجه است. بااین‌حال، شوراها همچنان این مسائل را پیگیری می‌کنند. همچنین یکی دیگر از محدودیت‌های آیین‌نامه ۱۴۰۲ این است که مصوبات شوراهای صنفی هر دانشگاه را محدود به تأیید معاون آموزشی دانشگاه کرده است. شورای صنفی چند دانشگاه مختلف اعلام کرده‌اند مسئولان دانشگاه از برگزاری این جلسات برای چند هفته شانه خالی کرده‌اند و حتی در دانشگاه شهید بهشتی که انتخابات آن در آذر ۱۴۰۳ پس از چند سال برگزار شد، حدود یک ماه طول کشید تا شورای صنفی دانشگاه به‌صورت رسمی تشکیل شود.

اگرچه در ظاهر مسیر برای تشکیل شوراهای صنفی باز شده، اما در عمل محدودیت‌های اجرایی، برداشت‌های سلیقه‌ای از آیین‌نامه و بی‌اعتمادی نهادهای مسئولان دانشگاه به شوراهای مستقل، همچنان سنگ‌هایی بزرگ بر سر راه فعالیت صنفی در دانشگاه‌هاست. به نظر می‌رسد برای تحقق واقعی فضای مشارکتی در دانشگاه‌ها، صرف تغییر دولت کافی نیست، بلکه نیاز به اصلاح رویه‌ها، تقویت نظارت دانشجویی و احترام به استقلال نهادهای صنفی وجود دارد.

**فاطمه غریبی:** با روی کار آمدن دولت چهاردهم به ریاست مسعود پزشکیان، امیدهایی در بدنه دانشگاهی کشور شکل گرفت، مبنی بر اینکه تغییرات مدیریتی در سطوح عالی دانشگاه‌ها با شتاب بیشتری پیگیری خواهد شد. به‌ویژه در میان منتقدان سیاست‌های دولت سیزدهم، این انتظار وجود داشت که رؤسای دانشگاه‌ها با چهره‌هایی هم‌راستا با گفتمان دولت جدید جایگزین شوند. اما این امید، دست‌کم تا این مقطع، با واقعیت فاصله داشته است. یکی از مهم‌ترین موانع پیش‌روی این تغییرات، کندی فرایند گرفتن استعلام‌ها از نهادهای امنیتی و اطلاعاتی است؛ موضوعی که موجب تأخیرهای چندماهه در تأیید صلاحیت گزینه‌های پیشنهادی شده است. در کنار آن، تعدد نهادهای و گروه‌های ذی‌نفع در حوزه سیاست‌گذاری آموزش عالی -از شورای عالی انقلاب فرهنگی گرفته تا برخی نهادهای موازی و تصمیم‌گیر- بر پیچیدگی و کندی ایسن روند افزوده‌اند. این وضعیت به گونه‌ای بوده است که حسین سیمایی صراف، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، در مواردی ناگزیر شده به جای انتصاب رؤسای قطعی، گزینه‌های موقت و سرپرست را بر کرسی ریاست دانشگاه‌ها بنشانند؛ ازجمله در دانشگاه تهران که یکی از مهم‌ترین و نمادین‌ترین نهادهای دانشگاهی کشور است. اکنون با گذشت بیش از هشت ماه از انتصاب حسین سیمایی صراف به‌عنوان وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، تغییرات ایجادشده در این سطح مدیریتی و حتی تأخیرهای پیش‌آمده بر این روند را می‌توان بررسی کرد. اما برای دل به‌تر این وضعیت، لازم است نگاهی به نقش شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تأثیرگذار بر فرایند تأیید و انتصاب رؤسای دانشگاه‌ها، بیندازیم؛ نهادهی که اختیارات گسترده‌ای در تعیین صلاحیت‌ها و اعمال نظر- نهایی در نصب مدیران عالی دانشگاهی دارد و در سال‌های اخیر، رویکرد آن نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری انتصاب‌ها ایفا کرده است.

#### کره‌گاه تغییر رؤسا

در تعیین ریاست دانشگاه‌ها، شورای‌عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان مسئول نظارت بر سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی کشور، مشارکت مؤثر دارد. روند قانونی آن به این شکل است که وزیر علوم رؤسای پیشنهادی را به شورای‌عالی انقلاب فرهنگی معرفی می‌کند و پس از تأیید صلاحیت آن افراد از سوی کمیته منتخب شورا، حکم قطعی ریاست برای آنها صادر می‌شود. پیش‌تر این کار در صحن شورا انجام می‌شد اما بعد از اینکه در دولت یازدهم، رؤسای پیشنهادی نتوانستند موافقت شورا را کسب کنند، راه‌حلی ایجاد شد که هم کارهای شورا کمتر شود و هم فرایند انتصابات سرعت بگیرد. طبق مصوبه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۹۴، کمیته منتخب این شورا برای تعیین رؤسای دانشگاه‌ها با پنج عضو تشکیل شد که شامل دبیر شورا، رئیس هیئت نظارت و بازرسی شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، وزیر علوم و وزیر بهداشت بود. البته این مصوبه در ۴ مرداد سال ۱۴۰۱ اصلاح شد و براساس آن اصلاحیه، رئیس هیئت نظارت و بازرسی شورای‌عالی انقلاب فرهنگی در جلسات حق رأی ندارد و یک نفر از اعضای حقیقی شورای‌عالی انقلاب فرهنگی به انتخاب شورای عالی به این کمیته اضافه می‌شود.

#### در انتظار تغییر، در حصار تأیات

در سطح شهر تهران، ۱۰ دانشگاه دولتی وجود دارد که تحت نظارت وزارت علوم هستند و در آنها تغییر و تحولات مدیریتی با رویکردهای متفاوت و اغلب گُند همراه بوده است. از میان آنها، دانشگاه صنعتی شریف، شهید بهشتی و الزهرا از دانشگاه‌هایی هستند که در آنها مدیران منصوب‌شده در دولت پیشین همچنان در سمت‌های خود مستقرند و تغییراتی در سطوح مدیریتی آنها رخ نداده است. این در حالی است که بسیاری از فعالان دانشجویی دانشگاه‌های یادشده، بر اهمیت تغییر ریاست دانشگاه در اصلاح روندهای شکل‌گرفته در دانشگاه‌ها در زمان استقرار دولت سابق و همچنین در راستای مقابله با افراط‌گرایی، تأکید داشته‌اند. درباره تغییر ریاست در دانشگاه‌های شهید بهشتی و الزهرا، کارزارهایی نیز ایجاد شده که در آنها دانشجویان با ثبت امضا، مطالبه خود از وزیر علوم مبنی بر تغییر ریاست دانشگاه را نشان دادند. کارزار دانشجویان دانشگاه الزهرا با بیش از هزارو ۵۰۰ امضا و پس از سه ماه به پایان رسید و کارزار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی که در تاریخ ۱۵ مهر ۱۴۰۳ آغاز شده بود، در تاریخ ۳۰ مهر پیرو شکایت دانشگاه شهید بهشتی و به دستور مقامات قضائی متوقف شد. این در حالی است که در همان مدت‌زمان کوتاه ۱۵ روزه، تعداد امضاهای این کارزار به بیش از دو هزار امضا رسیده بود. طراح کارزار تغییر ریاست دانشگاه شهید بهشتی در این زمینه بیان کرده که حمایت دوهزارو ۲۵۳ نفر از کارزار، نشان‌دهنده مقبول نبودن مدیریتی فعلی در میان دانشجویان است. او همچنین تأکید کرد این کارزار به صورت قانونی و مسالمت‌آمیز و با نیت اصلاح شرایط و حل مشکلات صنفی و رفاهی دانشجویان برگزار شد. اما دانشگاه با شکایت و گزارش‌های مغرضانه به نهادهای امنیتی، سعی در سرکوب این صداها داشته است.

#### ۲ تغییر برآی صندلی

وضعیت ریاست در دانشگاه تهران نیز بیش‌ازپیش ابهام‌آمیز است. در این دانشگاه، سرپرست‌ها یکی پس از دیگری بر سر کار می‌آیند. پس از آنکه در شهرپورماه سال ۱۴۰۳ سیدحسین حسینی، عضو هیئت علمی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، به‌عنوان سرپرست دانشگاه منصوب شد، بعد از حدود شش ماه، در اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۴ حسین سیمایی صراف در حکمی محمدحسین

امید، استاد دانشکدان کشاورزی دانشگاه تهران را به‌عنوان سرپرست این دانشگاه مادر منصوب کرد. «امید» پیش‌ازاین نیز در دولت حسن روحانی از بهمن‌ماه سال ۱۳۹۲ تا تیرماه سال ۱۳۹۳، سرپرست دانشگاه تهران بود. این انتصابات پیاپی و با تأخیر در دانشگاه تهران در حالی انجام شده است که طبق تبصره ۲ ماده ۴ «آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری» که در سال ۱۳۸۹ شورای‌عالی انقلاب فرهنگی مصوب شده است، وزرای علوم و بهداشت می‌توانند تا زمانی که حکم رئیس پیشنهادی از طرف شورای‌عالی انقلاب فرهنگی تأیید شود، او را حداکثر به مدت شش ماه به‌عنوان سرپرست مؤسسه منصوب کنند. در حکم انتصاب حسینی عنوان شده بود که او مسئولیت دارد شورایی از منتخبان دانشگاه برای مشارکت بیشتر دانشگاهیان در امر پیشنهاد افراد شایسته به وزارت علوم برای تصدی ریاست دانشگاه تشکیل دهد و به‌همین‌دلیل از همان ابتدا که حسینی بر صندلی ریاست دانشگاه تهران نخواهد نشست. با این حال با گذشت زمان حواشی زیادی درباره ابقای حسینی یا رد صلاحیت او از سوی شورای‌عالی انقلاب فرهنگی ایجاد شد.

#### عاقبت دفاع از دانشگاه؟

حادثه دلخراش قتل امیرمحمد خالقی، دانشجوی دانشگاه تهران، باعث شد که حسینی بیش‌ازپیش در مرکز توجه باشد و گمانه‌زنی‌ها درباره حکم ریاست او شدت گیرد. حسینی در پی حادثه، در کوی دانشگاه در میان دانشجویان داغ‌دیده و معترض حاضر شد و ضمن ابراز همدردی با آنها، وعده داد تمام اقدامات لازم برای پیگیری مطالبات دانشجویان را انجام خواهد داد و شکایت‌های لازم را از طریق معاونت حقوقی دانشگاه پیگیری خواهد کرد. او همچنین در مواجهه با حضور نیروی لباس شخصی در تجمعات دانشجویی و اعتراض دانشجویان به این مسئله، اشاره کرد که وقلع ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ را نیز درک کرده و عامل اصلی آن اتفاقات را نیز لباس شخصی‌ها دانست. این سخنان اگرچه با استقبال بخشی از جامعه دانشگاهی مواجه شد، اما با هجمه تند اصولگرایان همراه بود. روزنامه جوان، سخنان حسینی را «آتش‌ریختن روی خاکستر» توصیف کرد و او را با مصطفی تاجزاده، معاون وقت وزارت کشور در زمان وقایع کوی، مقایسه کرد. بسیج دانشجویی دانشکدگان فنی دانشگاه تهران نیز مواضع او را «قرار به جلو» و تلاش برای شانه‌خالی‌کردن از مسئولیت عنوان و اعلام کرد تشبیه تجمعات دانشجویان به فتنه‌های گذشته امری مذموم است. در این فضا، برخی تحلیلگران بر این باورند که مواضع صریح و کم‌سابقه سیدحسین حسینی در حمایت از دانشجویان، به‌ویژه پس از حادثه کوی دانشگاه و در مواجهه با حضور نیروهای لباس شخصی، موجب حساسیت نهادهای سیاسی و فرهنگی شد و همین مسئله به مانعی جدی در مسیر تأیید

#### گزارش تحلیلی «شرق» از تغییر و تحولات رؤسای دانشگاه در یک سال گذشته

## دست به مهره اما بی حرکت



عین مصطفی‌پور،وزیر علوم

صلاحیت او از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تبدیل شد. اما در حالی که گمانه‌زنی‌ها درباره رد صلاحیت او شدت گرفته بود، اظهارات رسمی دو مقام مسئول، روایت متفاوتی ارائه داد. عباس میراحسینی، رئیس مرکز رسانه و روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی، در تاریخ پنجم دی‌ماه و همچنین حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی رستمی، رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، در اظهاراتی در ۲۰ اردیبهشت، تأکید کردند که اساساً نامه‌ای از سوی وزیر علوم، حسین سیمایی‌صراف، برای معرفی حسینی به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال نشده است. این اظهارنظرها نتهتاً ابهام‌ها را برطرف نکرد، بلکه پرسش‌های تازه‌ای را درباره علت ارسال‌نکردن این نامه و اراده واقعی وزارت علوم برای تثبیت حسینی در مقام ریاست دانشگاه تهران مطرح کرد.

#### در انتظار استعالم

در دانشگاه‌های علامه طباطبائی، صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، هنر، علم و صنعت ایران و صنعتی امیرکبیر نیز به ترتیب شجاع احمدوند، حمیدرضا دخت‌تقی‌راد، سید بهشید حسینی، مهرداد شکریه و عباس شروش به سرپرستی منصوب شده‌اند. انتصاب احمدوند، دخت‌تقی‌راد و حسینی در مهرماه سال ۱۴۰۳، انتصاب شکریه در اسفند ۱۴۰۳ و شروش در اردیبهشت ۱۴۰۴ انجام شده است. دانشگاه تربیت مدرس تنها دانشگاه دولتی شهر تهران است که در آن سرپرست دانشگاه، با تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی در جایگاه ریاست دانشگاه قرار گرفته است. یوسف حجت که در شهریورماه سال ۱۴۰۳ به سرپرستی دانشگاه تربیت مدرس منصوب شده بود، با کسب رأی اعتماد از شورای عالی انقلاب فرهنگی در فروردین سال ۱۴۰۴، بر مسند ریاست این دانشگاه نشست. مسئله عزل رؤسای پیشین و نصب رؤسای جدید در دانشگاه‌ها، یکی از مسائلی است که از ابتدای استقرار دولت چهاردهم و نصب وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با حواشی، ابهامات و چالش‌های بسیاری روبه‌رو بوده است. سیمایی صراف، وزیر علوم در تاریخ ۳۱ فروردین ۱۴۰۴ درباره عزل و نصب رؤسای دانشگاه‌ها گفت که حساسیت‌های بسیاری درباره نصب رؤسای دانشگاه‌ها وجود دارد و با توجه به همین حساسیت‌ها، نظامات حقوقی و فرایندهای قانونی‌ای تعبیه شده است که باید رعایت شود. او یکی از دلایل تأخیر در انتصاب رؤسای دانشگاه‌ها را فرایند گرفتن استعلام آنها از نهاد‌ها و مراجع مختلف اعلام کرد و گفت اگر انتصاب رؤسا در اختیار وزارت علوم بود، این امر بیش از یک هفته زمان نمی‌برد. در این در حالی است که وقتی در ماه‌های اول وزارت سیمایی‌صراف از او درباره تغییر و تحولات پرسیده بودند، بیان کرده بود که «برای تغییر عجله‌ای نداریم؛ البته ما در دوره گذشته آماری گزیم که در شش ماهه اول کار دولت قبل ۸۰ رئیس دانشگاه و پژوهشگاه تغییر کرده بود، ولی من الان هیچ برآوردی ندارم که چه تعداد و با چه سرعتی تغییر کنند». تغییر و تحولات مدیریتی در دانشگاه‌های تهران، علاوه بر پیچیدگی‌های قانونی و بوروکراتیک، نمایانگر چالش‌های عمیقی در ساختار مدیریتی نظام آموزشی کشور است. با وجود اینکه جامعه دانشگاهی از همان ابتدای روی کار آمدن دولت چهاردهم، خواستار تغییرات اساسی در سطح ریاست دانشگاه‌ها بود، اما روند انتصابات تا امروز با تأخیرهای مکرر و متوالی روبه‌رو شده است. این تأخیرات و موانع در فرایند تصمیم‌گیری نه‌تنها موجب ابهام و بی‌ثباتی در سطح مدیریتی دانشگاه‌ها شده، بلکه اعتماد بدنه علمی و دانشجویی را تحت تأثیر منفی قرار داده است. از سوی دیگر، پیچیدگی‌های حقوقی و نیاز به گرفتن استعلام‌های متعدد از نهادهای مختلف، فرایند تغییرات مدیریتی را به امری طولانی و زمان‌بر تبدیل کرده، این شرایط باعث شده در برخی دانشگاه‌ها، سرپرست‌ها برای مدت‌های طولانی بر سر کار بمانند، درحالی‌که دانشگاه‌ها به‌طور مداوم با چالش‌هایی در حوزه تصمیم‌گیری‌های راهبردی و مدیریتی مواجه‌اند و بسیاری از سرپرستان دانشگاه، با توجه به صادر‌نشدن احکام ریاستشان، از ایجاد تغییر در حوزه معاونان خودداری می‌کنند.

#### تفاوت‌ها در دولت‌های سیزدهم و چهاردهم

مقایسه عملکرد دولت‌های سیزدهم و چهاردهم در حوزه انتصاب رؤسای دانشگاه‌ها، به‌ویژه در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، تصویری روشن از تفاوت رویکردها و سازوکارهای اجرایی در این دو دوره را ترسیم می‌کند. انتصاب مدیران ارشد در دولت چهاردهم به‌صورت کلی کندتر

است و یکی از دلایل این موضوع، کندبودن فرایند اخذ استعالم است. اما در دولت سید ابراهیم رئیسی رؤسای دانشگاه‌ها با سرعت بیشتری منصوب شدند؛ رؤسایی که فرایند تأیید صلاحیت آنان در شورای عالی انقلاب فرهنگی هم به سرعت طی می‌شد. روندی که در دولت سیزدهم وجود داشت، در مقایسه با وضعیت فعلی تغییر و تحولات در دانشگاه‌ها به شدت متفاوت است. در آن دولت در همین بازه زمانی مشابه، ۱۰ دانشگاه دولتی مستقر در تهران، تجربه‌ای کاملاً متفاوت را از سر گذارنده بودند و تقریباً تمام این دانشگاه‌ها دستخوش تغییر در سطح مدیریت عالی شدند و تنها در یک مورد…

دانشگاه شهید بهشتی…ریاست دانشگاه بیش از شش ماه تغییری نکرد. در برخی موارد، رؤسای دانشگاه‌ها در کمتر از دو سال جای خود را به افراد دیگری دادند؛ به‌طوری‌که در بازه سه‌ساله عمر دولت سیزدهم، برخی دانشگاه‌های مهم کشور مانند صنعتی‌شریف و خواجه نصیرالدین طوسی، شاهد حضور دو رئیس با گرایش‌های نزدیک به بدنه اجرایی دولت بودند.

#### وضعیت سایر استان‌ها

نگاهی به وضعیت دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم در استان‌های دیگر نیز کمابیش این گزاره را به ذهن متبادر می‌کند که انتصاب رؤسا در استان‌های دیگر نیز با تأخیر پیگیری می‌شود و ممکن است با موانع بسیاری از سوی نهادهای مختلف روبه‌رو باشد. تاکنون رؤسای مورد تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی در حدود ۲۰ دانشگاه در کشور منصوب شده‌اند، اما یکی از دانشگاه‌هایی که وضعیت متفاوتی دارد، دانشگاه صنعتی اصفهان است. ریاست این دانشگاه سیدعلی محمد میرمحمدی میدی در آبان سال ۱۴۰۰ منصوب شده است، با وجود اعتراضاتی که بدنه دانشجویی و استادان به شیوه مدیریت او داشته‌اند، همچنان در جایگاه خود مستقر است. درباره تغییر مدیریت این دانشگاه دو کارزار در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۳ ایجاد شده است. به بیان دیگر، در هر دو دولت فعلی و سابق تلاش‌هایی برای تغییر ریاست دانشگاه انجام شده است و دانشجویان درخواست‌های خود مبنی بر تغییر ریاست دانشگاه را به زلفی گل، وزیر علوم دولت پیشین و سیمایی صراف وزیر علوم فعلی ابراز داشته‌اند. با این حال، وضعیت ریاست این دانشگاه همچنان بدون تغییر مانده است. در نهایت به نظر می‌رسد با توجه به نقش مدیران در کیفیت تصمیم‌گیری برای آموزش و پژوهش برای پیشبرد اهداف علمی و فرهنگی، در هرکدام از این دانشگاه‌ها، نیاز به بازنگری جدی در فرایند انتصاب و تسهیل روند‌های حقوقی و اداری وجود دارد. روندی که پیش‌تر در دولت سیدمحمد خاتمی به شیوه انتخاب نیمه‌موکرراتیک رؤسای دانشگاه رسید، اما این دستور کار به‌سرعت در دولت بعدی لغو شد و حالا انتصاب رؤسا توسط وزیر علوم نیز با چالش مواجه شده است.

#### بلوار دانشجو

### معضل به تعویق انداختن سربازی دانشجویان

#### سیداحمد گلزی

**دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه تهران**

مسئله خدمت سربازی دانشگاهیان سال‌هاست نقل محافل گوناگون است. در پی ادعای علیرضا بیرانوند مبنی بر تحصیل در مقطع دکتری فیزیولوژی، امیرعباس لشکری، رئیس مرکز ورزش و تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی، در گفت‌وگو با ایسنا، با رد ادعای تحصیل بیرانوند در مقطع دکتری گفت: «او تا پایان شهریورماه امسال فرصت دارد از پایان‌نامه خود دفاع کند؛ چراکه مجوز معافیت تحصیلی او در حال پایان است و در نهایت باید به خدمت سربازی برود». این خبر، مسئله ادامه تحصیل به قصد تعویق خدمت سربازی را یادآوری می‌کند؛ امری که سال‌هاست به یکی از معضلات دانشگاهیان تبدیل شده است. به‌جد می‌توان ادعا کرد که عده قابل توجهی از دانشجویان پسر، با نیت به‌تعویق انداختن خدمت سربازی، یا استفاده از مزایا و طرح‌های بنیاد نخبران در مقاطع تحصیلات تکمیلی، وارد دانشگاه می‌شوند یا تحصیل خود را تعمداً طولانی می‌کنند. در دانشگاه‌های دولتی و مقاطع روزانه، به علت مقررات سخت‌گیرانه، تعداد این دانشجویان کمتر است، ولی در دانشگاه‌های غیرانتفاعی، علمی-کاربردی و آزاد اسلامی، این دانشجویان بیشترند؛ اتفاقی که به‌وضوح دارای مفاسد و معایبی برای شخص دانشجو و همچنین برای دانشگاه و نهادهای مرتبط با آن است. مهم‌ترین مقسده این امر برای چنین دانشجویانی، بلاتکلیفی، به‌تعویق افتادن و آماده‌نبودن برای زندگی پس از دانشگاه و تحمیل هزینه مالی به دانشجویست؛ چنین افرادی با تداوم ضررزیوری حضور در دانشگاه ضمن اینکه هزینه مالی بعضاً سنگینی برای پرداخت شهریه و سایر هزینه‌های تحصیلی متحمل می‌شوند، به علت بلاتکلیفی در معرض آسیب‌های روحی و روانی نیز قرار می‌گیرند، علاوه بر آن به علت افزایش بیش از حد مدت تحصیل، آمادگی ورود به بازار کار و زندگی پس از دانشگاه را نیز از دست می‌دهند. درباره دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی که بخش مهمی از فرایند تحصیلی‌شان امور پژوهشی است، بی‌انگیزگی و احساس بی‌هدف‌بودن موجب طمسه جدی به فرایند پژوهش و تولید پژوهش‌های بی‌کیفیت، بی‌ارزش و ناکارآمد می‌شود.

علاوه بر دانشجویان، این مسئله برای دانشگاه‌ها نیز معضلاتی ایجاد کرده است؛ مثل تحمیل هزینه‌های یارانه خوابگاه، تغذیه و…، ازدیاد پرونده‌های کمیسیون موارد خاص، برضدن ظرفیت استادان راهنما و مشاور در مقاطع تحصیلات تکمیلی و بروز بعضی معضلات نادر مثل خودکشی بین دانشجویان. راه‌حل این معضل را باید در نظرات کارشناسان مربوطه یافت، اما به نظر می‌رسد تجدید نظر جدی در نحوه مصوب‌سازی دانش‌آموختگان دانشگاهی، ضروری به نظر می‌رسد، هرچند در این خصوص اقداماتی مثل طرح‌های بنیاد ملی نخبران انجام شده است و به‌تازگی نیز سیمایی‌صراف، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری اعلام کرده که مجوز جذب مشمولان نظام وظیفه در مقطع بسادکتری از رهبری گرفته شده است، اما این اقدامات موجب دلگرمی دانشجویان نشده و هنوز بسیاری ترجیح می‌دهند تحصیل خود را تا مدت نامعلوم به تعویق بینازند. ممکن است به‌کارگیری هوشمند و مرتبط با رشته تحصیلی دانش‌آموختگان، که نحوی که موجب کسب سابقه کاری و زمینه‌ساز ورود به بازار کار شود، راهکار مؤثری برای حل این قیبل مسائل باشد.

#### یادداشت

#### عبور»

یعنی ادامه‌دادن، وقتی دلیل‌ها کم می‌شوند، و فقط یک صدا در درون می‌گوید:

«برو».

و چه خوش است آن لحظه که می‌فهمی؛ نه عبور، پاکت بود، نه رفتن، پاشان. بلکه تولدی دیگر، در لباسی دیگر، با نگاهی عمیق‌تر، با قلبی آگاه‌تر. آری، عبور، راه ماست؛ نه راه فراموشی، که راه رهایی.